



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۹۸۸۶-۲۹۸۰

دوره ۱۵، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲



کاوش‌های باستان‌شناختی در غار مونه (لنده، کهگیلویه و بویر احمد)

سید محمود میراسکندری^۱

DOI: 10.30495/peb.2023.703601

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۱

چکیده

برخی غارها به دلیل شرایط محیطی مناسب برای مدت طولانی کانون استقرار انسان و فعالیت‌های انسانی بوده‌اند و از این رو، لایه‌های رسوبی کف غارها و دیواره صخره‌ای آن‌ها همواره حاوی مدارک ارزشمندی از تحول جوامع انسانی است. غار مونه از جمله مکان‌های باستانی شهرستان لنده در استان کهگیلویه و بویر احمد است که به دلیل داشتن شرایط ویژه، مورد توجه انسان‌های گذشته بوده است. بروز اختلافات و درگیری میان اهالی منطقه در پی حفاری‌های غیر مجاز آن‌ها در این غار، زمینه کاوش باستان‌شناختی آن را فراهم آورد. پژوهش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته بر روی غار منجر به شناخت سه تالار و یک دالان ارتباطی بین تالارها گردید. علاوه بر این، کاوش دو گمانه در این غار، زمان استفاده از آن را به دوره مس‌سنگی جدید تا قرون متاخر دوران اسلامی رسانید. طی این دوران، دامداران به طور موقتی از غار استفاده می‌کردند. بررسی محیط پیرامون غار نیز منجر به شناسایی بقایای دیوارهای سنگ‌چین سترگی در ۲۰۰ متری غرب و شمال غربی غار شد که سن‌سنجی سفال‌های به دست آمده از آن به روش ترمولومینسانس، قدمت آن را به دوره عباسیان رسانید.

واژگان کلیدی: غار مونه، لنده، کاوش باستان‌شناختی، سفال، مس‌سنگی.

* **استاد:** میراسکندری، سید محمود (۱۴۰۲). کاوش‌های باستان‌شناختی در غار مونه (لنده، کهگیلویه و بویر احمد). *پیام باستان‌شناس*، ۱۵ (۲۸)،

۳۹-۵۶.

^۱ استادیار، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ایران. نویسنده مسئول: mahmoudmireskandari@yahoo.com

مقدمه

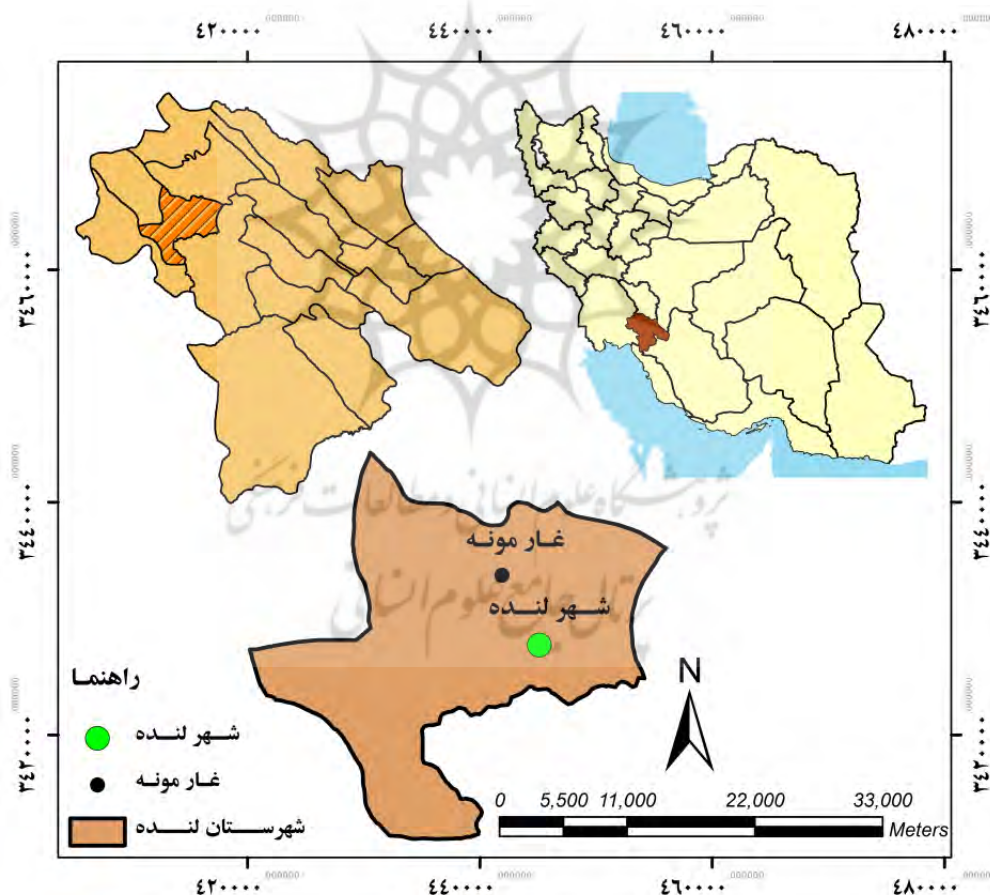
همواره چگونگی اثر عوامل طبیعی بر جوامع انسانی و مقدار اثرپذیری انسان از محیط‌های طبیعی یکی از بحث‌های مطرح در علوم جغرافیایی بوده است (قربانی، ۱۳۹۴). واکنش انسانی در محیط، بازتابی از استعداد‌های محیطی اوست. از این رو، الگوی زیست انسان در تمامی ابعاد مربوط به خود و حتی به تبعیت از آن، الگوهای رفتاری انسان در محیط‌های مختلف شکل یکسانی نداشته و با توجه به محتوای طبیعی شکل‌های گوناگون و بسیار متنوعی دارند. جغرافیا بستر زندگی بشر در تمامی ادوار بوده و هست؛ لذا فرهنگ هر منطقه، تحت تاثیر همان شرایط جغرافیایی حاکم هستند. مطالعات انسان‌شناسان و باستان‌شناسان نشان می‌دهد که جغرافیا همواره عاملی فعال در زندگی بشر بوده و در پیش از تاریخ نمود بیشتری نسبت به امروز داشته است (عبدی، ۱۳۸۱: ۱۸ و ۱۷). سابقه استقرار انسان در محیط‌های کارستی به عنوان یکی از قلمروهای مورد مطالعه در علم جغرافیا، به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد. شاید بتوان ادعا کرد که ساختارهای آهکی از جمله نخستین مکان‌های استقرار انسان در کره زمین بوده است (Mouret and Ostermann, 2001). پیش از اینکه انسان وارد دشت شده و دهکده‌های اولیه را تشکیل دهد، غارنشین بوده و دوره غارنشینی را اصطلاحاً پالئولیتیک و معادل فارسی آن را پارینه سنگی می‌نامند (Renfrew and Bahn, 2000). بنابراین بعضی از غارها برای مدت مدیدی کانون استقرار انسان و فعالیت‌ها انسانی بوده و اکنون حاوی مدارک ارزشمندی از تحول جوامع انسانی در لایه لایه رسوبات و شکل‌های هنری روی دیوار غارهاست. در کشور ایران حدود ۱۰/۵ درصد از مساحت آن توسط سازندهای کربناته پوشیده شده است (کریمی وردنجان، ۱۳۹۴). این مقدار در ناحیه زاگرس به ۲۳

درصد می‌رسد (Ashjari and Raiesi, 2006). همچنین براساس مطالعه افراسیابیان (۱۳۷۷) حدود ۹۰ درصد زاگرس از سنگ‌های کربناته تشکیل شده است. بنابراین بخش اعظم رشته کوه زاگرس از سازندهای کربناته تشکیل شده که تمام شکل‌ها و عوارض کارستی اعم از چشمه کارستی، فروچاله، پلنه، کارن و به ویژه غار و پناهگاه‌های سنگی را می‌توان در سرتاسر آن مشاهده کرد (Heydari, 2007). وجود غارها، چشمه‌های کارستی و رودخانه‌های متعدد، به علاوه طبیعت غنی و خاک‌های مستعد برای کشاورزی، این ناحیه را از دیرباز در کانون توجه گروه‌های انسانی قرار داده است (شریفی، ۱۳۸۴). بنابراین غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای به عنوان یکی از بایگانی‌های اطلاعاتی محیط‌های دیرینه، از جمله عوارض ژئومورفولوژیکی می‌باشند که جهت بازسازی فعالیت‌های انسانی و تغییرات محیطی کواترنری استفاده می‌شوند (شریفی و مقصودی، ۱۳۹۲). غار مونه از جمله مکان‌های باستانی شهرستان لنده در استان کهگیلویه و بویراحمد است که بازتابی از الگو زیستی انسان را در این منطقه به نمایش می‌گذارد. این غار به دلیل دارا بودن شرایط ویژه‌ای همچون دسترسی به منابع آب مورد توجه انسان‌های گذشته قرار گرفته است. غار مونه در پی حفاری‌های غیر مجاز اهالی روستا مونه و بروز اختلاف میان آنها معروف شد و با بالا گرفتن اختلاف و درگیری میان اهالی روستا، دادستانی استان و شورای تامین شهرستان لنده در جهت کاستن از تنش‌های ایجاد شده در این منطقه، درخواستی به اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کهگیلویه و بویر احمد داده تا با اعزام کارشناس اطلاعاتی را در خصوص آن فراهم نمایند. در پی این درخواست و ارسال آن به پژوهشکده باستان‌شناسی، سرانجام با صدور مجوز زمینه کاوش اضطراری در غار مونه فراهم شد (میر اسکندری، ۱۳۹۴).

موقعیت مکانی و محیطی

خورده فرم‌های اصلی منطقه را تشکیل می‌دهند. پوشش گیاهی اطراف غار را درختان متراکم بلوط با مراتع غنی در بر گرفته است. منطقه‌ای که غار در آن قرار دارد، جزء مناطق گرمسیری است؛ از این رو، در تابستان آب و هوای گرم و خشک و در فصول پائیز و زمستان آب و هوای ملایم و بهاری دارد. متوسط بارندگی منطقه بین ۳۰۰ تا ۴۲۰ میلیمتر و دارای اقلیم نیمه خشک معتدل، مدیترانه‌ای سرد و مدیترانه‌ای معتدل است. غار مونه به واسطه دره‌ای که به موازات دو رشته کوه با جهت شمال غرب به جنوب شرق در شمال و جنوب آن کشیده شده و تنگه‌ای که در ۲/۵ کیلومتری جنوب غرب غار وجود دارد به دشت لنده مرتبط می‌گردد.

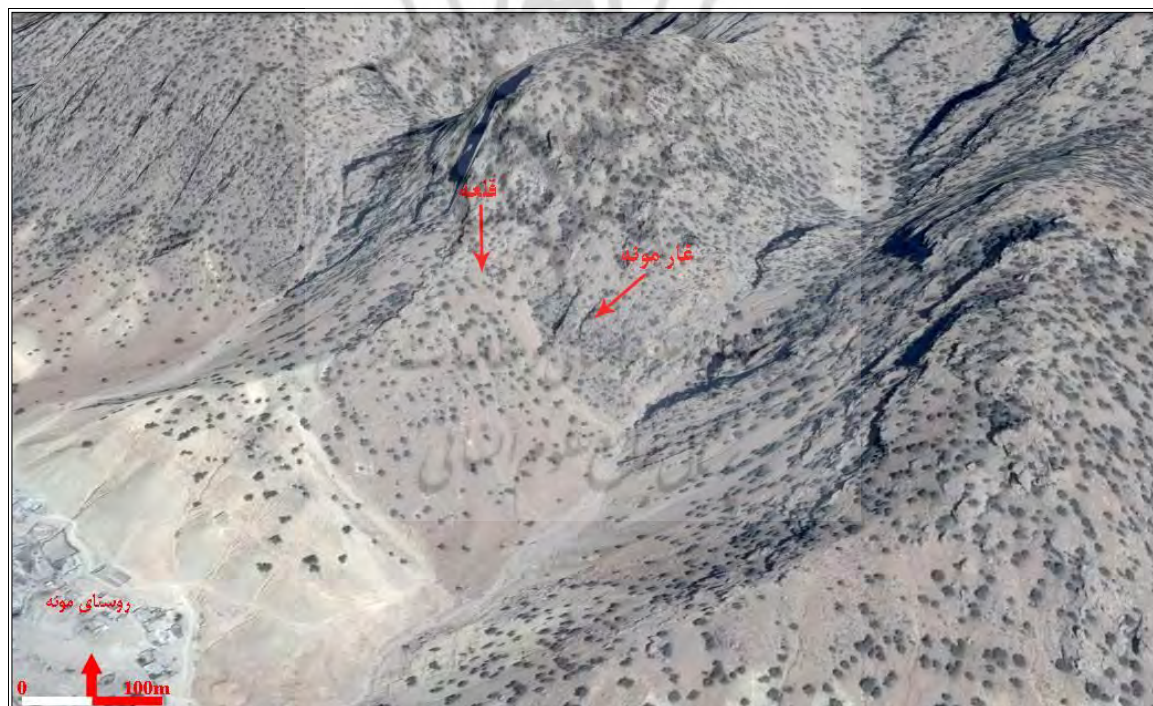
غار مونه با مختصات جغرافیایی $33^{\circ} 23' 50''$ طول شرقی و $30^{\circ} 01' 57''$ عرض شمالی در ارتفاع ۱۳۵۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. از نظر تقسیمات سیاسی در ۵ کیلومتری شمال غرب شهر لنده (به خط مستقیم) و در ۵۵۰ متری شمال شرق روستای مونه، در میان دره یالی و پرشیب، مشرف بر مسیر رودخانه‌ای فصلی در استان کهگیلویه و بویراحمد واقع شده است (شکل‌های ۱، ۲، ۳). این منطقه از نظر موقعیت زمین‌شناسی در واحد زاگرس چین خورده و از نظر ویژگی‌های هیدرولوژیکی در حوضه آبخیز مارون قرار دارد. طاق‌دیس‌ها و ناودیس‌ها این بخش به مانند سایر قسمت‌های زاگرس چین



شکل ۱: موقعیت غار مونه در تقسیمات سیاسی استان کهگیلویه و بویراحمد



شکل ۲: موقعیت غار مونه (Google Earth, 2014)



شکل ۳: موقعیت غار مونه و قلعه (Google Earth, 2014)

ویژگی‌های ژئومورفولوژیکی غار مونه

در قلمروهای کارستی واژه غار به مجاری کوچک و بزرگی در سنگ اطلاق می‌گردد که جریان آب از یک یا چند نقطه ورودی به آنها وارد شده و سرانجام از نقطه خروجی (چشمه) زهکشی می‌شود (Atkinson, 1993). عوامل مختلفی باعث پیدایش و شکل‌گیری غارها می‌شوند. این عوامل می‌توانند فرایندهای شیمیایی، فرسایش آب، نیروهای زمین‌ساختی (تکتونیک)، میکروارگانیزم‌ها، فشار، تاثیرات اتمسفری، حفاریهای انسان و ... باشند.

غار مونه از نظر جنس سنگ، جزء غارهای آهکی و از نظر ریخت‌شناسی و ساختار هندسی به دلیل وجود تونل‌های افقی و عمودی دارای سیستم غاری می‌باشد. این غار از لحاظ زمان پیدایش جزء غارهای ثانویه می‌باشد که بعد از پیدایش سنگ‌ها و صخره‌ها در اثر عوامل غارزا به وجود آمده است. زمان تشکیل واحد اصلی سنگ چینه‌شناسی که غار در آن شکل گرفته است، مربوط به دوره الیگوسن - میوسن و از نظر نحوه شکل‌گیری در دسته غارهای طبیعی (انحلالی) قرار می‌گیرد. نحوه پیدایش این نوع از غارهای طبیعی را می‌توان به مراحل زیر تفکیک کرد:

- ترکیب آبهای سطحی و باران با موادی در سطح یا درون زمین (کانیها یا گازها)
- پدید آمدن ترکیبات حلال (معمولاً اسیدهای ضعیف)
- رسوخ و نفوذ ترکیبات حلال به درون زمین
- تهی شدن فضاهای خاصی در داخل زمین (معمولاً فضاهای خالی قبلی یا مناطق مستعد انحلال)
- رسوب‌گذاری ترکیبات حلال و زایش غار سنگها و اشکال مختلف

از نظر ژئومورفولوژی، غار طولی با سه تالار اصلی بوده و دارای سازنده‌های غاری منحصر به فرد به ویژه از نظر رسوبات چرب غاری است. در داخل غار اشکالی مانند

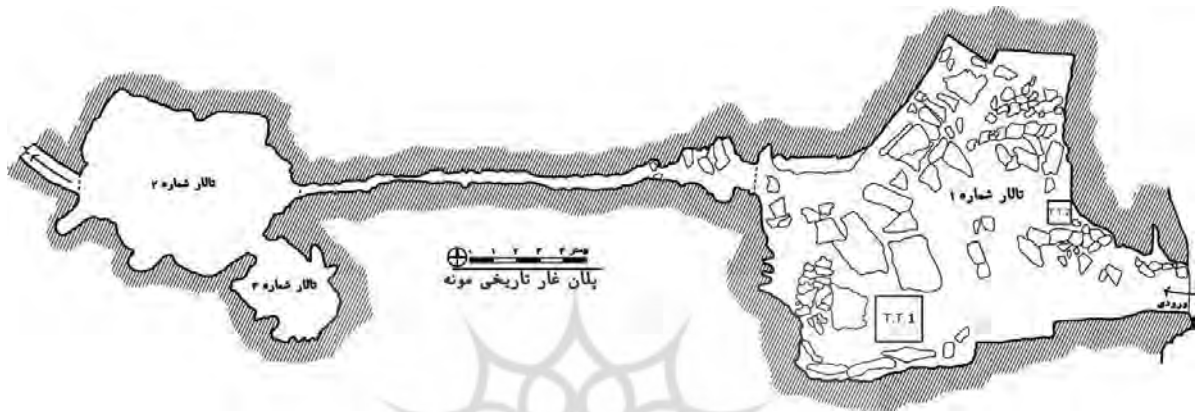
چکنده یا استلاکتیت، چکیده یا استالاگمیت و ستون دیده می‌شوند. ارتفاع استالاکتیت‌های غار مونه به کمتر از یک متر می‌رسد و به شکل مخروطهایی هستند که قاعده‌شان به سقف چسبیده و رأس آنها به سوی کف غار است. چکیده‌های تشکیل شده در غار مونه دارای شکل‌ها خنجری و خوشه‌ای هستند. ستون‌ها از دیگر اشکالی هستند که در غار مونه دیده می‌شوند.

بررسی باستان‌شناختی غار مونه

طی بررسی غار مونه، سه تالار و یک دالان باریک و بلند که تالارها را به همدیگر مرتبط می‌ساخت، شناسایی گردید (شکل‌های ۴، ۵). «تالار شماره ۱» پس از دهانه ورودی غار قرار دارد (شکل ۶). این تالار با مساحت ۴۰ متر مربع بزرگترین تالار غار محسوب می‌شود. فرم آن به صورت چند ضلعی نامنظم با بستری صخره‌ای و ناهموار و سطحی سنگلاخی است (شکل‌های ۴، ۵، ۷). لایه‌ای آبرفتی، همراه با فضولات حیوانی، زباله صنعتی و خانگی و دورریزهای معاصر مانند بطری‌های پلاستیکی، مقوای بسته‌بندی مواد غذایی، آثار تاریر سوخته ماشین و نیز بقایای آتش‌های افروخته شده توسط افراد بومی کف تالار را پوشانده بود. کف این تالار دارای شیبی ۱۰ درجه از شرق به غرب (انتهای تالار به سمت ورودی) است. در مرکز آن دو صخره منفرد بزرگ با تعدادی سنگ کوچکتر نمایان است. این سنگ‌های سقوط کرده، متعلق به سقف غار هستند. سقف تالار را چکنده یا استالاکتیت‌های آهکی کوچک و زیبایی تشکیل می‌دهد که بسیاری از آنها تخریب شده‌اند. تعدادی قطعه سفال و چند تکه استخوان حیوانی بر روی کف این تالار پراکنده بود که پس از مستندنگاری وضعیت تالار، جمع‌آوری و ثبت و ضبط گردیدند (شکل‌های ۱۵، ۱۶؛ جدول‌های ۱، ۲). در قسمت شمالی این تالار و در ارتفاع ۱/۵ متری از سطح، دالانی با حدود ۲۰ متر طول وجود

می‌رسد. سقف دالان دارای چکنده یا استالاکتیت‌های آهکی کوچک و کف آن نیز دارای حوضچه‌های آهکی کوچک ناشی از رسوب‌گذاری‌های چند هزار ساله است. به دلیل آتش‌افروزی درون دالان، بدنه آن کاملاً دود زده شده است (شکل ۸).

دارد که تالار اول را به تالار دوم مرتبط می‌سازد (شکل‌های ۴، ۵). عرض و ارتفاع این دالان متفاوت است به گونه‌ای که در ابتدا ورود به آن آسان می‌نماید، اما رفته رفته باریک و تنگ می‌شود تا جایی که در نزدیکی قسمت انتهایی آن عبور از آن بسیار سخت و دشوار است و عرض آن در قسمتهایی به کمتر از ۲۵ سانتیمتر



شکل ۴: برش عمودی از غار مونه و تالارهای موجود در آن



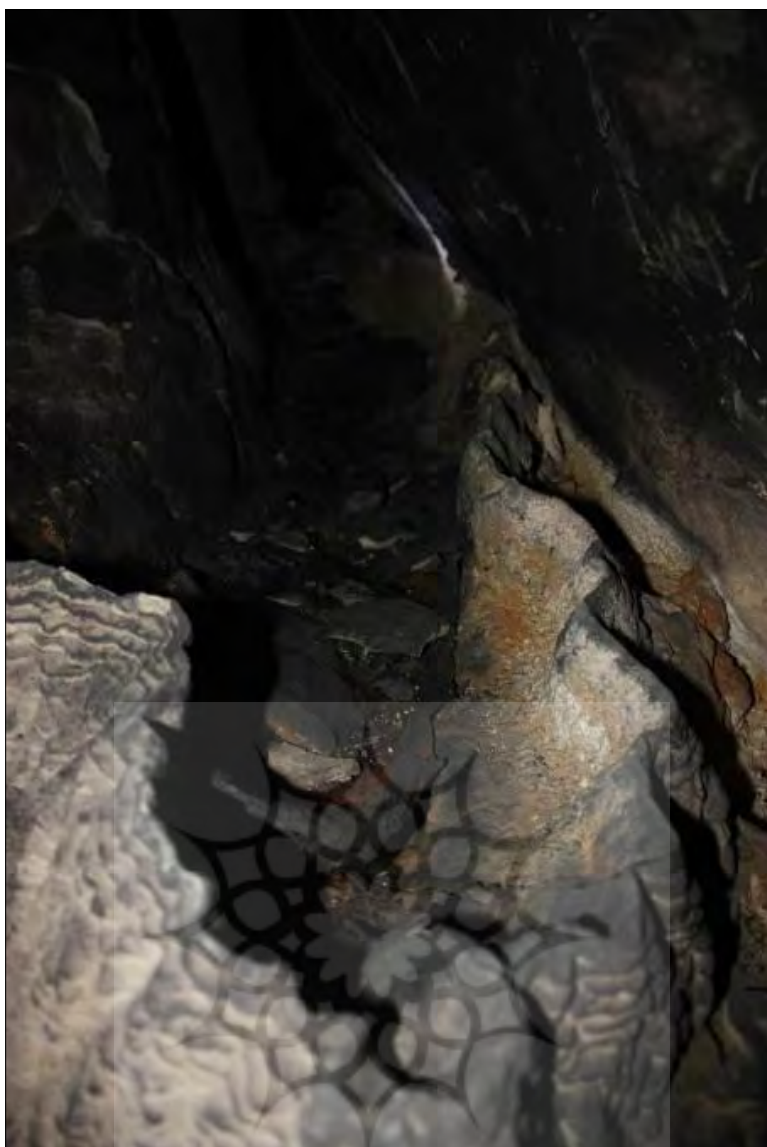
شکل ۵: پلان غار مونه و موقعیت گمانه‌های کاوش شده در «تالار شماره ۱»



شکل ۶: دهانه ورودی غار مونه قبل از آغاز کاوش



شکل ۷: نمای درونی «تالار شماره ۱» و دهانه ورودی غار مونه



شکل ۸: یکی از حوضچه‌های آهکی درون دالان ارتباطی بین تالارهای شماره ۲ و ۳

حالت طبیعی خود خارج یا شکسته شده‌اند (شکل ۹). در مرکز این تالار چشمه آب قطره‌ای وجود دارد که آب آن به صورت چند حوضچه ممتد به قسمت پایین‌تر تالار سرازیر می‌شود. از کف این تالار قطعات سفالی رسوب گرفته‌ای به دست آمد که برخی از آنها دارای شکستگی تازه‌اند و نشان دهنده تخریب این سفال‌ها توسط حفاران غیر مجاز است (شکل‌های ۱۵، ۱۶؛ جدول‌های ۱، ۲).

پس از گذشتن از این دالان به تالار کوچکتری (تالار شماره ۲) می‌رسیم که نوشته‌های روی بدنه آن و نیز بطری آب نشان دهنده ورود افراد دیگری به درون این تالار است. ابعاد این تالار متفاوت و حدود ۲۰ متر مربع مساحت دارد. بدنه و سقف این تالار پوشیده از رسوبات آهکی و قندیل‌های بسیار بزرگ و کوچکی است. کف این تالار با رسوبات آهکی و حوضچه‌های حاصل از این رسوبات پوشیده است که بسیاری از آنها به دلیل دست اندازی از



شکل ۹: نمای درونی «تالار شماره ۲» و قندیل‌های ستونی آن

تالارهای دیگری منتهی می‌شود. به دلیل عدم وجود تجهیزات مناسب غارنوردی، ورود به این راهرو و ادامه مسیر امکان‌پذیر نبود. وجود چنین دالانی حکایت از گستردگی غار دارد اما با توجه به تجهیزات محدود امکان بررسی کامل غار مونه وجود نداشت و ادامه بررسی نیازمند حضور گروهی متشکل از غارنوردان حرفه‌ای و باستان‌شناسان بود.

چسبیده به قسمت غربی «تالار شماره ۲»، تالار کوچکی به مساحت تقریبی ۶ متر مربع وجود دارد که با نام «تالار شماره ۳» ثبت شده است. از این تالار نیز تعدادی قطعه سفال به دست آمد (شکل‌های ۱۵، ۱۶؛ جدول‌های ۱، ۲). کف «تالار شماره ۳» پوشیده از قطعات سنگی متوسط و کوچک است (شکل ۱۰). در سمت شرقی «تالار شماره ۲»، دالان باریکی وجود دارد که احتمالاً به تالار یا



شکل ۱۰: نمای درونی «تالار شماره ۳» و بستر آن

کاوش غار مونه

به دلیل وضعیت تالارهای غار مونه و بستر تمام صخره‌های «تالارهای شماره ۲ و ۳»، تنها «تالار شماره ۱» قابلیت لازم جهت کاوش را داشت. با توجه به اینکه بستر «تالار شماره ۱» نیز در بیشتر قسمت‌ها صخره‌ای بود، امکان حفاری گسترده در آن وجود نداشت؛ از این رو، در این تالار دو مکان جهت ایجاد گمانه‌هایی با ابعاد متفاوت در نظر گرفته شد (شکل ۴). در گزینش مکان این گمانه‌ها سعی بر آن بود تا جایی جهت کاوش گمانه‌ها در نظر گرفته شود که بیشترین حجم انباشت خاک را داشته باشد و از این طریق شانس بیشتری جهت کشف مواد فرهنگی احتمالی درون غار وجود داشته باشد. گمانه‌ها انتخابی با نام A و B نامگذاری و کاوش در آنها آغاز شد.

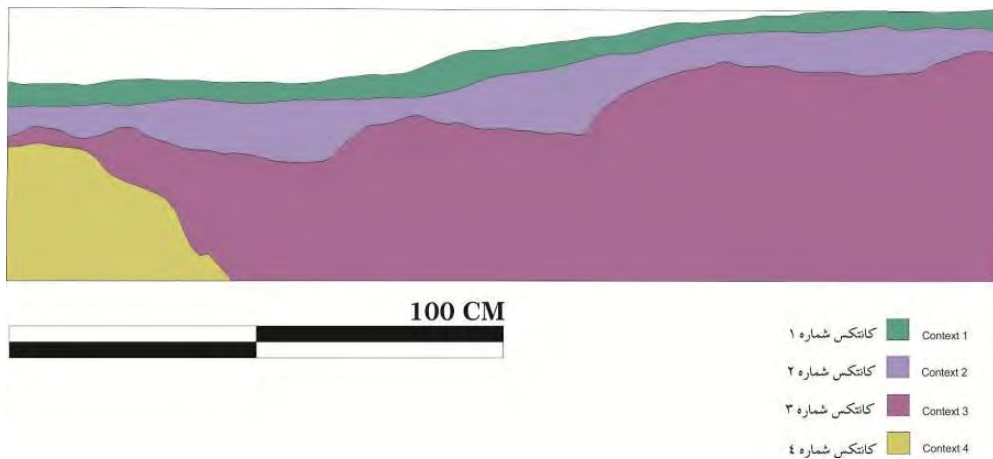
گمانه A

این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در انتهای شمال غربی تالار و در حد فاصل بین دیواره غربی تالار و صخره‌های بزرگ فروریخته در مرکز تالار، جایی که بیشترین حجم خاک انباشتی وجود داشت، انتخاب شد. فاصله این گمانه از دیواره غربی تالار حدود ۱ متر، از دیواره شمالی حدود ۲

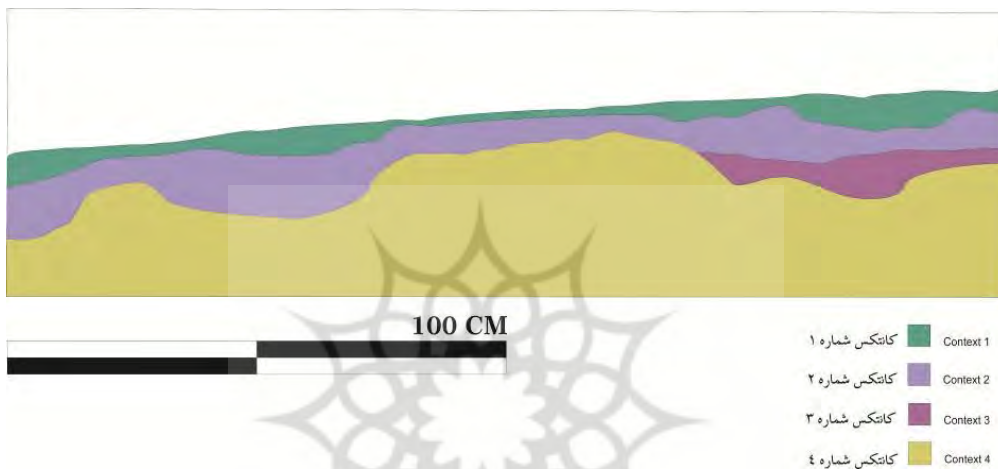
متر و از صخره‌های بزرگ فروریخته در مرکز تالار حدود ۱۰ سانتیمتر است (شکل ۴، ۱۱). در نتیجه کاوش این گمانه مجموعاً ۶ کانتکست شامل ۴ انباشت خاک و ۱ انباشت سنگ و بستر صخره‌ای شناسایی و ثبت گردید. بجز کانتکست ۱ و ۶ از بقیه کانتکست‌ها قطعات سفال به دست آمد. با توجه به شیب موجود در کف تالار این گمانه در عمق‌های متفاوت به بستر اولیه رسید؛ به گونه‌ای که گمانه در زاویه شمال شرق و در عمق ۷۵ سانتیمتری، در زاویه شمال غرب در عمق ۵۵ سانتیمتری، در زاویه جنوب غربی در عمق ۴۰ سانتیمتری و در زاویه جنوب شرقی در عمق ۳۵ سانتیمتری به خاک بکر رسید. به دلیل شیب محل قرارگیری گمانه A، همه کانتکست‌ها این گمانه فراگیر نبودند و این کانتکست‌ها به صورت کامل و یک جا در دیواره‌های چهارگانه قابل مشاهده نبودند (شکل‌های ۱۲، ۱۳). نتیجه کاوش در این گمانه نشان داد که لایه‌های این بخش به شدت مضطرب بودند؛ با این وجود پراکنش سفال‌ها نشان داد که استفاده از این بخش طی یک دوره بلند مدت (شاید با چندین وقفه) از دوره مس سنگی جدید تا دوره اسلامی ادامه یافته است.



شکل ۱۱: گمانه A در کنار دیوار غربی تالار



شکل ۱۲: برش عمودی دیواره شمال غربی گمانه A



شکل ۱۳: برش عمودی دیواره جنوب غربی گمانه A

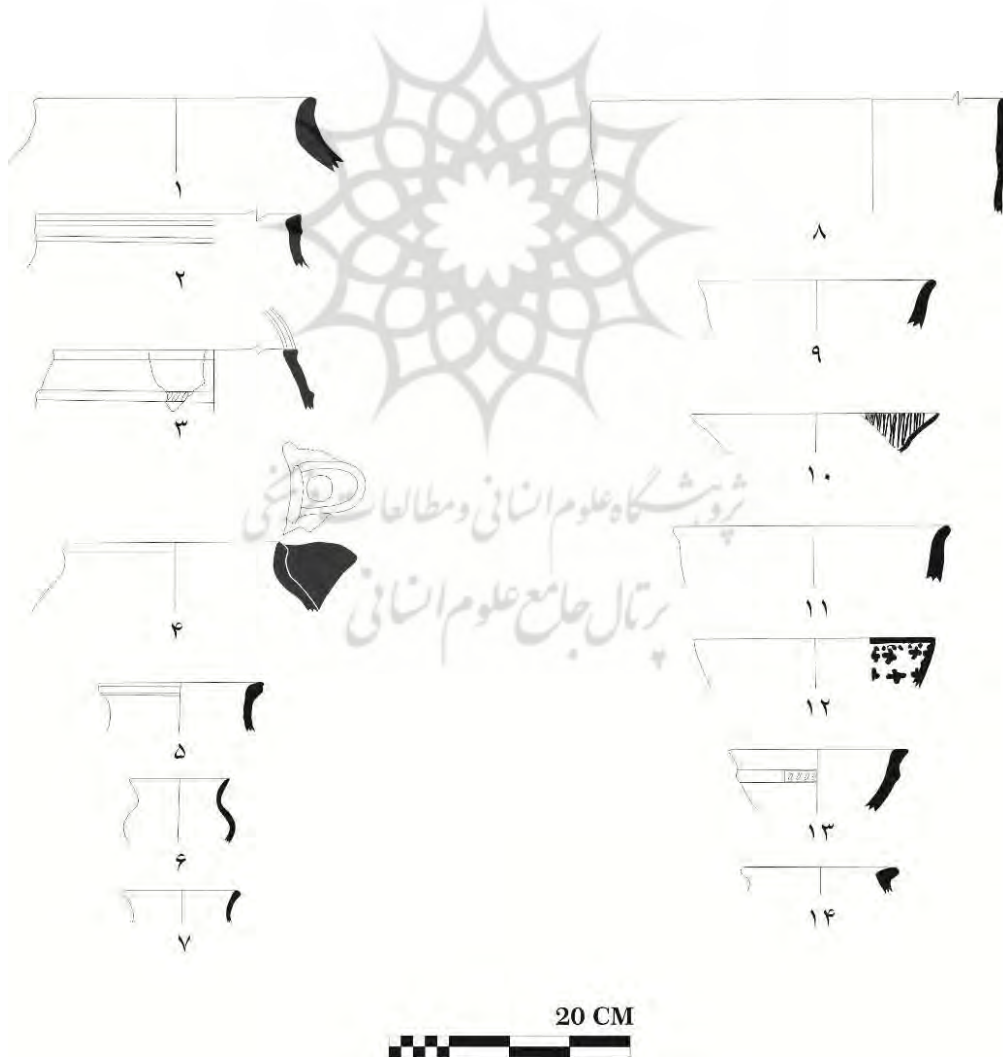
گمانه B

گمانه با ابعاد بزرگ 1×1 متر وجود نداشت (شکل‌های ۱، ۱۴). در نتیجه کاوش این گمانه مجموعاً ۳ کانتکست شامل ۳ انباشت خاک شناسایی و ثبت گردید. بجز کانتکست ۳ از بقیه کانتکست‌ها قطعات سفال به دست آمد. که مواد فرهنگی آن محدود به قطعات سفالی می‌شد. نتیجه کاوش در این گمانه نشان داد که لایه‌های این بخش به نسبت سالم‌تر بودند؛ با این وجود پراکنش سفال‌ها نشان داد که استفاده از این بخش طی یک دوره بلند مدت (شاید با چندین وقفه) از دوره مس‌سنگی جدید تا دوره تاریخی ادامه یافته است.

با توجه به کمبود مواد فرهنگی از گمانه A و محدود بودن این گمانه در سمت شرقی تالار، تصمیم به باز کردن گمانه‌ای دیگر در بخش جنوبی تالار گرفته شد که با نام گمانه B به ثبت رسید. در گزینش مکان گمانه B نیز سعی بر آن بود تا جایی انتخاب شود که بیشترین حجم خاک و لایه‌ها را بتوان برداشت کرد. بر این اساس قسمت جنوب شرقی غار و چسبیده به دیواره آن جهت حفر گمانه B انتخاب شد. با توجه به محدودیت فضایی امکان حفر



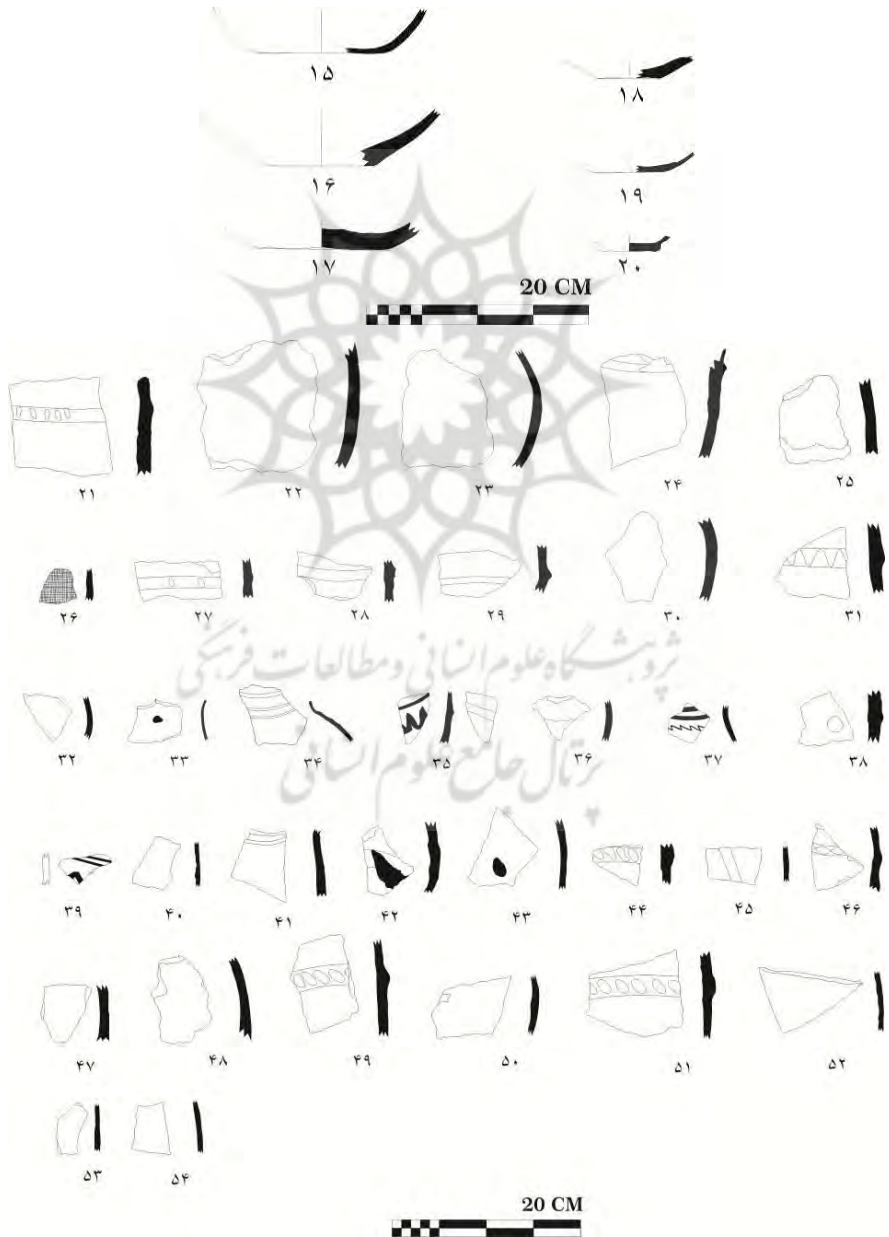
شکل ۱۴: محل گزینش شده برای گمانه B چسبیده به بدنه جنوبی «تالار شماره ۱»



شکل ۱۵: سفال‌های مکشوفه از غار مونه

جدول ۱: مشخصات فنی سفال‌های مکشوفه از غار مونه

شماره قطعه	محل کشف	شماره کاتالگست	نوع قطعه	فرم	تکنیک ساخت	رنگ خمیره	نوع شاموت	رنگ پوشش		میزان پخت	ظرافت ساخت	نمونه مشابه از	ارجاعات
								بیرون	درون				
۱	A	۲	له	خمیره	دست ساز	نخودی تیره	معدنی	ندارد	نخودی تیره	کافی	خشن	تل ملبان	Sumner, 2003: fig. 25-e-f
۲	B	۳	له	خمیره	چرخ ساز	خاکستری تیره	گیاهی	قرمز-نارنجی	قرمز-نارنجی	کافی	متوسط		
۳	B	۳	له	خمیره	دست ساز	خاکستری	معدنی	خاکستری	خاکستری	کافی	متوسط		
۴	B	۳	له	خمیره لوله دار	چرخ ساز	نخودی	معدنی	اجری	اجری	کافی	متوسط		
۵	A	۳	له	کوزه	چرخ ساز	صورتی	معدنی	اجری	اجری	کافی	متوسط	نورآباد	Potts and Roustaei, 2006: Fig. 3.133-2184.
۶	تالار ۲	-	له و بدنه	دیگچه	؟	نخودی	معدنی	ندارد	قهوه ای ؟	کافی	ظریف		
۷	A	۳	له	کوزه	چرخ ساز	نخودی روشن	معدنی	خاکستری	قهوه ای تیره	کافی	ظریف		
۸	تالار ۳	-	له	دیگ	دست ساز	خاکستری تیره	ترکیبی	ندارد	نخودی	کافی	خشن		
۹	تالار ۲	-	له	کاسه	چرخ ساز	خاکستری روشن	ترکیبی	؟	-	کافی		نورآباد	Potts and Roustaei, 2006: Fig. 3.106-537.
۱۰	سطحی جلوی دهانه ورودی	-	له و بدنه	کاسه	چرخ ساز	قرمز-نارنجی	-	قرمز-نارنجی	قرمز-نارنجی	کافی	ظریف	باکون و نورآباد و دولتون	Egami and Masuda, 1962: fig. 17-10. Wright, 1981: fig. 16-e. Dittmann, 1984: fig. 19-2.
۱۱	تالار ۲	-	له	دیگ	چرخ ساز	خاکستری روشن	ترکیبی	؟	؟	کافی	متوسط		
۱۲	سطحی جلوی دهانه ورودی	-	له	کاسه	چرخ ساز	نخودی روشن	معدنی	نخودی	نخودی	کافی	ظریف		
۱۳	B	۳	له	پاله	دست ساز	خاکستری	گیاهی	قهوه ای روشن	قهوه ای روشن	کافی	خشن		
۱۴	سطحی جلوی دهانه ورودی	-	له	دیگچه	دست ساز	خاکستری	معدنی	خاکستری	خاکستری	کافی	خشن		



شکل ۱۶: سفال‌های مکشوفه از غار مونه

جدول ۲: مشخصات فنی سفال‌های مکشوفه از غار مونه

شماره قطعه	محل کشف	شماره کانتکست	نوع قطعه	فرم	تکنیک ساخت	رنگ خمیره	نوع ساموت	رنگ پوشش		میزان پخت	ظرافت ساخت	نمونه مشابه از	ارجاعات
								بیرون	درون				
۱۵	تالار ۱	-	کف	؟	دست ساز	نخودی	معدنی	نخودی تیره	ندارد	کافی	متوسط	نورآباد	Potts and Roustaei, 2006: Fig. 3.132-2243.
۱۶	A	۳	کف	؟	دست ساز	صورتی	گیاهی	ندارد	قرمز اخرا	کافی	خشن		Egami and Masuda, 1962: fig. 17-10
۱۷	سطحی جلوی دهانه ورودی	-	کف	؟	دست ساز	نخودی	معدنی	ندارد	نخودی تیره	کافی	خشن	پاکون A و B	Egami and Masuda, 1962: fig. 6-1
۱۸	سطحی جلوی دهانه ورودی	-	کف	؟	چرخ ساز	صورتی	معدنی	ندارد	قرمز اخرا	کافی	متوسط		
۱۹	سطحی جلوی دهانه ورودی	-	کف	؟	دست ساز	کرم	گیاهی	ندارد	آجری	کافی	متوسط		
۲۰	A	۲	کف	؟	چرخ ساز	نخودی روشن	معدنی	شفاف	شفاف	کافی	ظریف		
۲۱	تالار ۲	-	بدنه	؟	دست ساز	خاکستری	ترکیبی	نخودی	نخودی	کافی	متوسط		
۲۲	تالار ۱	-	بدنه	؟	دست ساز	صورتی	معدنی	خاکستری	خاکستری	کافی	خشن		
۲۳	تالار ۳	-	بدنه	؟	دست ساز	صورتی	ترکیبی	صورتی	صورتی	کافی	خشن		
۲۴	تالار ۱	-	بدنه	؟	چرخ ساز	خاکستری تیره	گیاهی	آجری	آجری	کافی	متوسط		
۲۵	تالار ۱	-	بدنه	؟	دست ساز	خاکستری تیره	ترکیبی	خاکستری	خاکستری	ناقص	خشن		
۲۶	سطحی جلوی دهانه ورودی	-	بدنه	؟	چرخ ساز	صورتی	معدنی	صورتی	صورتی	کافی	متوسط		
۲۷	تالار ۱	-	بدنه	؟	دست ساز	خاکستری	ترکیبی	ندارد	قرمز-نارنجی	کافی	متوسط		
۲۸	سطحی دهانه ورودی	-	بدنه	؟	چرخ ساز	صورتی	معدنی	صورتی	کرم	کافی	خشن		
۲۹	تالار ۱	-	بدنه	؟	چرخ ساز	صورتی	گیاهی	ندارد	خاکستری	کافی	متوسط		
۳۰	تالار ۲	-	بدنه	؟	چرخ ساز	آجری	معدنی	ندارد	نخودی تیره	کافی	خشن		
۳۱	سطحی جلوی دهانه غار	-	بدنه	؟	دست ساز	کرم	ترکیبی	ندارد	کرم تیره	کافی	خشن		
۳۲	A	۳	بدنه	؟	چرخ ساز	نخودی	ترکیبی	کرم	کرم	کافی	متوسط		
۳۳	تالار ۱	-	گردن	؟	چرخ ساز	قرمز نارنجی	معدنی	قرمز-نارنجی	قرمز-نارنجی	کافی	ظریف		
۳۴	تالار ۲	-	گردن و بدنه	؟	چرخ ساز	نخودی	معدنی	ندارد	قهوه ای تیره	کافی	ظریف		

بررسی قلعه مونه

با پلان راست گوشه نمایان است (شکل ۱۸). تمام دیوارها به صورت خشکه چین هستند. هرچند کاربرد دقیق محوطه نامشخص اما مدارک موجود همچون باروهای مستحکم و بزرگ حکایت از وجود یک قلعه یا دژ دارد. سن سنجی دو نمونه از قطعه سفال‌های این محوطه به روش ترمولومینسانس به ترتیب تاریخ ۱۳۰۰ ± ۹۰ شمسی و ۷۵ ± ۱۲۸۰ شمسی است. این تاریخ هم‌زمان با دوره عباسیان (خلافت هارون الرشید ۱۷۰ - ۱۹۳ هجری قمری) است.

همزمان با کاوش غار مونه، بررسی‌هایی پیرامون محیط این غار به انجام رسید. طی این بررسی‌ها بقایایی از دیوارچین‌های سنگی سترگ، در ۲۰۰ متری غرب و شمال غرب غار شناسایی گردید. این دیوارچین سنگی که در امتداد دیواره صخره‌ای راس کوه قرار داشت، با استفاده از سنگ‌های مکعبی بزرگ که بعضاً طول آنها به ۲ متر نیز می‌رسید، ساخته شده بود (شکل ۱۷). این دیواره سنگ چین بارو مانند، گرداگرد راس کوه را در بر گرفته است و در درون این حصار فضاهای معماری سنگ‌چینی



شکل ۱۷: باروی سنگ چین قلعه مونه



شکل ۱۸: بقایای معماری سنگ چین در فضای داخلی غار مونه

نتیجه‌گیری

غار مونه با ارتفاع ۱۳۵۰ متری از سطح آب‌های آزاد در دامنه ارتفاعات شمال‌غرب شهر لنده قرار دارد. این غار طبیعی از نظر موقعیت زمین‌شناسی در واحد زاگرس چین‌خورده و از نظر ویژگی‌های هیدرولوژیکی در حوضه آبخیز مارون قرار دارد. طاقدیس‌ها و ناودیس‌ها این بخش به مانند سایر قسمت‌های زاگرس چین‌خورده فرم‌های اصلی منطقه را تشکیل می‌دهند. غار مونه از نظر جنس سنگ، جزء غارهای آهکی و از نظر ریخت‌شناسی و ساختار هندسی به دلیل وجود تونل‌های افقی و عمودی دارای سیستم غاری می‌باشد. این غار از لحاظ زمان پیدایش جزء غارهای ثانویه می‌باشد که بعد از پیدایش سنگ‌ها و صخره‌ها در اثر عوامل غارزا به وجود آمده است. واحد اصلی سنگ‌چینه‌شناسی غار مربوط به دوره الیگوسن - میوسن و از نظر نحوه شکل‌گیری در دسته غارهای طبیعی (انحلالی) قرار می‌گیرد. از نظر ژئومورفولوژی غار به صورت طولی و دارای ۳ تالار می‌باشد که استالاکتیت‌ها و استالاکمیت‌ها به عنوان عوارض ژئومورفیک ثانوی در داخل غار دیده می‌شوند. ویژگی‌های محیطی مناسب و موقعیت مکانی غار زمینه لازم را برای استفاده دامداران منطقه طی دوران مس‌سنگی جدید تا عصر حاضر را فراهم می‌آورد.

در بررسی‌های صورت گرفته بر روی غار مونه، سه تالار و یک دالان باریک و بلند که تالارها را به همدیگر مرتبط می‌ساخت شناسایی گردید. این تالارها به وسیله یک دالان طولانی و باریک به یکدیگر مرتبط می‌گردند. بقایایی از زباله صنعتی و خانگی و دورریزهای معاصر کف تالارها را پوشانده است. تالار شماره «۱» بزرگترین تالار این غار است. در مرکز آن دو صخره منفرد بزرگ با تعدادی سنگ کوچکتر نمایان است. این سنگ‌های سقوط کرده، متعلق به سقف غار هستند.

به دلیل وضعیت تالارهای غار مونه و بستر تمام صخره‌های «تالارهای شماره ۲ و ۳»، تنها «تالار شماره ۱» قابلیت لازم جهت کاوش را داشت. با توجه به اینکه بستر «تالار شماره ۱» نیز در بیشتر قسمت‌ها صخره‌ای بود، امکان حفاری گسترده در آن وجود نداشت؛ از این‌رو، در این تالار دو مکان جهت ایجاد گمانه‌هایی با ابعاد متفاوت در نظر گرفته شد. در گزینش مکان این گمانه‌ها سعی بر آن بود تا جایی جهت کاوش گمانه‌ها در نظر گرفته شود که بیشترین حجم انباشت خاک را داشته باشد و از این طریق شانس بیشتری جهت کشف مواد فرهنگی احتمالی درون غار وجود داشته باشد. گمانه‌ها انتخابی با نام A و B نامگذاری و کاوش شدند. گمانه A با ابعاد ۲×۲ متر در انتهای شمال‌غربی تالار و در حد فاصل بین دیواره غربی تالار و صخره‌های بزرگ فروریخته در مرکز تالار، جایی داشت. در نتیجه کاوش این گمانه مجموعاً ۶ کانتکست شامل ۴ انباشت خاک و ۱ انباشت سنگ و بستر صخره‌ای شناسایی گردید. نتیجه کاوش در این گمانه نشان داد که لایه‌های این بخش به شدت مضطرب بودند؛ با این وجود پراکنش سفال‌ها نشان داد که استفاده از این بخش طی یک دوره بلند مدت (شاید با چندین وقفه) از دوره مس‌سنگی جدید تا دوره اسلامی ادامه یافته است.

با توجه به کمبود یافته‌های باستان‌شناسی از گمانه A و محدود بودن این گمانه در سمت شرقی غار، تصمیم به باز کردن گمانه‌ای دیگر در بخش جنوبی غار گرفته شد که با نام گمانه B به ثبت رسید. بر این اساس قسمت جنوب شرقی غار و چسبیده به دیواره آن جهت حفر گمانه B انتخاب شد. با توجه به محدودیت فضایی امکان حفر گمانه با ابعاد بزرگ وجود نداشت، بنابراین ابعاد آن ۱×۱ متر در نظر گرفته شد. در نتیجه کاوش این گمانه مجموعاً ۳ کانتکست انباشت خاک شناسایی و ثبت گردید. نتیجه کاوش در این گمانه نشان داد که لایه‌های این بخش به نسبت سالم‌تر بودند؛ با این وجود پراکنش سفال‌ها نشان

عمدتاً توسط دامداران و کوچ نشینان و به صورت فصلی و یا ماهانه و حتی به صورت روزانه مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

منابع

افراسیایان، احمد (۱۳۷۷). اهمیت مطالعات و تحقیقات منابع آب کارست در ایران. در احمد افراسیایان، مجموعه مقالات دومین همایش جهانی منابع آب در سازندهای کارستی تهران - کرمانشاه، تیر ۱۳۷۷، کرمانشاه: سازمان آب منطقه غرب، ۱۳۷-۱۲۶.

شریفی، مهناز (۱۳۸۴). پیچیدگی‌های استقراری زاگرس در اواخر پلیستوسن و اوایل هولوسن. اثر، (۳۸ و ۳۹)، ۳۴۶-۳۵۵.

شرفی، سیامک، مقصودی، مهران (۱۳۹۲). غارها و پناهگاههای صخره‌ای به عنوان آرشیوی از تغییرات محیطی کوآرترنر. در مجموعه مقالات سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره بین‌المللی تخصصی علوم زمین، تهران: سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، ۱-۵.

عبدی، کامیار (۱۳۸۶). زیست بوم‌شناسی انسانی و اهمیت آن در پژوهشهای باستان‌شناختی. باستان‌شناسی و تاریخ، (۳۱)، ۱۴-۲۵.

قربانی، محمد صدیق (۱۳۹۴). چشم‌انداز کارست به مثابه شاخص استقراری در منطقه کامیاران (گذشته و اکنون)، پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، ۴۷(۴)، ۵۱۷-۵۳۱.

کریمی وردنجانی، حسین (۱۳۹۴). هیدروژئولوژی و ژئومورفولوژی کارست. شیراز: انتشارات ارم.

میراسکندری، سید محمود (۱۳۹۴). گزارش کاوش باستان‌شناختی غار مونه (لنده - کهگیلویه و بویراحمد). تهران: مرکز اسناد پژوهش‌گده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).

Atkinson. T. C. (1993). *Present and future direction in karst hydrology*. England.

داد که استفاده از این بخش طی یک دوره بلند مدت (شاید با چندین وقفه) از دوره مس‌سنگی جدید تا دوره تاریخی ادامه یافته است. بر اساس مطالعات صورت گرفته بر روی یافته‌های سفالی غار مونه، این غار طی دوران هزاره چهارم و سوم پیش از میلاد تا دوران اسلامی به صورت موقت مورد استفاده کوچ نشینان و دامداران بوده است. پراکنش سفال‌های در سطح تالارها نشان داد که طی دوران پیش از تاریخ از تمامی فضاهای غار تقریباً به صورت یکسان استفاده شده است. طی دوران تاریخی با تنگ‌تر شدن دالان ارتباطی بین تالار شماره «۱» و تالار شماره «۲» به واسطه رسوب‌گذاری، دسترسی به تالارهای «۲» و «۳» سخت و صعب‌العبور می‌گردد و استفاده از تالار شماره «۱» به نسبت دو تالار دیگر بیشتر می‌شود. به نظر در اوایل دوره اسلامی با ریزش دیواره‌ها و سقف غار در تالار شماره «۱» بخش شرقی غار غیر قابل سکونت می‌شود و از آن به بعد بیشتری استفاده از بخش ورودی و غربی این تالار است. طی دوران مختلف استفاده از غار به صورت موقت است و هرگز شواهدی دال بر وجود استقرار دائم در این غار به دست نیامد.

مقایسه تطبیقی سفال‌های به دست آمده از غار مونه نشان داد که سفال‌های پیش از تاریخی به دست آمده از این غار قابل مقایسه با نمونه‌های مشابه در تل باکون (A و B) (Egami and Masuda, 1962)، تپه نورآباد (Potts et al., 2006)، دو تلون (Dittmann, 1984) و تپه ملیان (Sumner, 2003) است. سفال‌های دوران تاریخی و اسلامی نیز شباهت فراوانی با نمونه‌های به دست آمده از منطقه دارند. به دست آمدن چند قطعه سفال پیش از تاریخ دروغین از این غار، که تاریخ‌گذاری این نوع سفال در این بخش از ایران مربوط به قرون میانه و متاخر اسلامی دانسته‌اند از جمله سفال‌های اسلامی هستند. در مجموع بر اساس یافته‌های سفالی ضعیف از این غار، می‌توان گفت که غار مونه دارای استقرارهای ضعیف و موقتی بوده که

Speleology, Brazilian Society of Speleology, 595-601.

Potts, D. T., Roustaei, K., Weeks, L., & Petrie, C. A. (2009). The Mamasani district and the archaeology of southwestern Iran. In *The Mamasani Archaeological Project Stage One: A report on the first two seasons of the ICAR-University of Sydney expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*. Archaeopress.

Renfrew, C., & Bahn, P. (2000). *Archaeology: theories, methods and practice*. Thames and Hudson.

Samner, W.M. (2003). *Early Urban Life in the Land of Anshan: Excavations at Tal-e Malyan in the Highlands of Iran*. Museum Monograph, 113, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology, Pennsylvania.

Wright, H. T. (Ed.), (1981). *An Early Town on the Dehloran Plain: Excavations at Tepe Farukhabad, Memoirs of the Museum of Anthropology*. University of Michigan, Ann Arbor.

Ashjari, J. Raeisi, E. (2006). Influences of anticlinal structure on regional flow, Zagros, Iran. *Cave and karst science*, 68(3), 23 – 44.

Egami, N., & Masuda, S. (1962). *Marv-Dasht I: The Excavation at Tal-i-Bakun 1956, Tokyo University Irag-Iran Archaeological Expedition Reports*, 2. Tokyo: Institute of Oriental Culture of the University of Tokyo.

Dittmann, R. (1984). *Eine Randebene des Zagros in der Fruhzeit: Ergebnisse des Bahbahan-zuhreh Surveys, Berliner Beitrage Zum Vorderen Orient Band 3*. Berlin: Dietrich Riemer Verlag.

Heydari, S. (2007). The Impact of Geology and Geomorphology on Cave and Rockshelter Archaeological Site Formation, Preservation, and Distribution in the Zagros Mountains of Iran. *Geoarchaeology: An International Journal*, 22(6), 653–669.

Mouret C., & Ostermann, J.M. (2001). Human use of caves in Perigord, Dordogne, France. In *13th International Congress of Speleology, 4th Speleological Congress of Latin América, and Caribbean 26th Brazilian Congress of*





Payām-e Bāstānshenās
Islamic Azad University, Abhar Branch
Print ISSN: 2008-4285
Online ISSN: 2980-9886
Vol. 15, No. 28, Spring & Summer 2023



Archaeological Excavations at Moneh Cave (Landeh County, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province)

Seyed Mahmoud Mireskandari ¹

DOI: 10.30495/peb.2023.703601

Abstract

Due to suitable environmental conditions, some caves have been the center of human settlement and human activities for a long time, and therefore, the sedimentary layers of the bottom of the caves and their rocky walls always contain valuable evidence of the evolution of human societies. Moneh Cave is one of the ancient places of Landeh County in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, which has been the focus of past humans due to its special conditions. The emergence of disputes and conflicts among the residents of the region due to their unauthorized excavations in this cave provided the ground for its archaeological excavations. The archaeological research conducted on the cave led to the identification of three halls and a communication corridor between the halls. In addition, the exploration of two boreholes in this cave brought the time of its use to the Late Chalcolithic Age until the late centuries of the Islamic era. During this period, the cave was temporarily used by the herdsmen of the region. The investigation of the surroundings of the cave also led to the identification of the remains of the stone walls of Setregi, 200 meters west and northwest of the cave. Thermoluminescence dating of the pottery of this cave indicates that they belong to the Abbasid period.

Keywords: Moneh Cave, Landeh, Archaeological Excavation, Pottery, Chalcolithic.

* **Citation:** Mireskandari, S.M. (2023). Archaeological Excavations at Moneh Cave (Landeh County, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province). *Paāām-e Bāsāānshenās*, 15(28), 39-56. (In Persian)

¹ Assistant Professor, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran, Iran. Corresponding author: mahmoudmireskandari@yahoo.com